

### متن پرسش

پاسخی ترسناک... جلساتی دارد و شاگردانی. مدهوش ابن عربی است و واله ملاصدرا. تفسیر المیزان تدریس می کند و با هایدگر مبانی تمدن غرب را به چالش می کشد! با این همه مشغله اما در سایتش به پرسش های گوناگون نیز پاسخ بعضاً مبسوط می دهد. در یکی از این پرسش و پاسخها فردی با بیان نظر خودش جویای نظر او در رابطه با قتل کیان پیر فلک شده است؛ پاسخی که او می دهد حقیقتاً ترسناک است، او سوال کننده را به تأمل پیرامون قاعده فقهی تترس حواله می دهد و می گوید چاره ای نداریم که واقع بین باشیم و در مواقعی چندین بی گناه را بکشیم برای اینکه با کفار مقابله کنیم! عصاره فضائل این استاد همه فن حریف با انبانی پر از عرفان و حکمت و فلسفه و غرب اندیشی، شده است توجیه جنایت با قاعده فقهی تترس! کسانی چون او آنقدر در مبانی خودساخته خویش غرق شده اند و از درک عرفی مسائل، عقیم که شاید فقط فریاد "علیکم بدین العجائز" بتواند آنها را متنبه سازد!

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید بحث در این بود که اگر بر فرض نیروهای امنیتی هیچ چاره‌ای برای دفع خطری که جامعه را تهدید می‌کند، نداشته باشند؛ قاعده تترس قابل اجرا است. ولی در مورد مرحوم کیان پیرفلک، اساساً موضوع این‌طور نبود بلکه یا باید بپذیریم که همان جریان معاند برای کشته‌سازی او را شهید کردند و یا نیروهای امنیتی به اشتباه به گمان آن که همان معاندین هستند که به سوی آنها در حرکتند، به ماشین آنها تیراندازی کردند. آیا مطابق سؤال سؤال کننده که آن جواب به ایشان داده شد باید نتیجه بگیریم که مثلاً نیروهای امنیتی دست‌شان به خون بی‌گناهی آلوده است؟ و یا چاره‌ای نبوده است در آن حدّ که حتی برای حفظ نظام اسلامی تا اجرای قاعده تترس، جا دارد که حافظان نظام عمل کنند و نام عمل آنها را آلوده بودن خون‌شان به دست بی‌گناه نمی‌گذاریم.

اصل موضوع، مطلبی است که مرحوم شهید مطهری در کتاب جاذبه و دافعه علی (علیه السلام) آورده‌اند و در آن کتاب می‌فرمایند: در فقه اسلامی، در کتاب الجهاد، مسئله‌ای است تحت عنوان "تترس کفار به مسلمین". مسئله اینست که اگر دشمنان اسلام در حالی که با مسلمین در حال جنگ‌اند عده‌ای از اسرای مسلمان را در مقدم جبهه سپر خویش قرار دهند و خود در پشت این جبهه

مشغول فعالیت و پیشروی باشند به طوری که سپاه اسلام اگر بخواهد از خود دفاع کند و یا به آنها حمله کند و جلو پیشروی آنها را بگیرد چاره‌ای نیست جز اینکه برادران مسلمان خود را که سپر واقع شده‌اند نیز به حکم ضرورت از میان بردارد ، یعنی دسترسی به دشمن ستیزه گر و مهاجم امکان پذیر نیست جز با کشتن مسلمانان ، در اینجا قتل مسلم به خاطر مصالح عالیه اسلام و به خاطر حفظ جان بقیه مسلمین در قانون اسلام تجویز شده است . آنها نیز در حقیقت سرباز اسلامند و در راه خدا شهید شده‌اند منتها باید خونبهای آنان را به بازماندگان نشان از بودجه اسلامی بپردازند [۱] و این تنها از خصائص فقه سلامی نیست بلکه در قوانین نظامی و جنگی جهان یک قانون مسلم است که اگر دشمن خواست از نیروهای داخلی استفاده کند آن نیرو را نابود می‌کنند تا به دشمن دست یابند و وی را به عقب برانند . (جاذبه و دافعه علی: مطهری، مرتضی، جلد : ۱ صفحه : ۱۱۶)

[۱] لمعه ، ج ۱ ، کتاب الجهاد ، فصل اول ، و شرایع ، کتاب الجهاد

موفق باشید